

لغات ستایش

لغت	معنی	لغت	معنی
پوزش پذیر	پذیرنده پوزش	ماورا	پشت سر، آن سوی
پرستار	مطیع، فرمانبردار	بصر	بینایی، بینش، چشم
کنه	ذات، پایان و حقیقت هر چیز	حال	زیبایی، نیکویی
محال	ناشدنی، غیر ممکن	تأمل کردن	اندیشدن، فکر کردن
ماہیت	حقیقت، ذات، چستی	صفا	پاکی، پاک دلی، خلوص

لغات درس اول

لغت	معنی	لغت	معنی
توفنده	پر خروش، خروشان	بوریا	حصیری که از نی بافته می شود
نیت	قصد، آهنگ، غزم	خشت	آجر، آجر خام
طنین	آهنگ، انعکاس صدا		

لغات شعر صورت گر ماهر

لغت	معنی	لغت	معنی
نشد	اندو هکین ، غمناک	گل کامکار	نوعی گل بسیار سرخ و زیبا
تا شیل	ج تا شیل ، شکل ؛	صور مکر	تقالش ، پدید آورنده

لغات درس دوم

لغت	معنی	لغت	معنی
حدقه	کلاه چشم مردک چشم	جه	بدن ، پیکر

لغات درس سوم

لغت	معنی	لغت	معنی
دازنا	طول دازا	تیره رای	بداندیش
فر	شکوه	خیره روی	سرکش کتخ
فروغ	روشنایی نور	پاس داشتن	نگاه داشتن

فرزانیکی	دانایی علم	سپند	مقدس ارجمند
فریخته	ادب آموخته	ارجمند	با ارزش گرانها
ارمغان	ره آورد سفر سوغات	خامه	قلم
پیراسته	آراسته پاکیزه	آلایش	آلودگی
دوی	وحشی گری	والایی	ارجمندی
خاستگاه	مبدأ، محل پیدایش	روشن رأی	نیک اندیش
بن جان	صمیم دل، ته دل	تبار	اصل نژاد
نژاده	اصل، نجیب	پلشتی	آلودگی ناپاکی
کرد	پهلوان، نیرومند	یل	شجاع دلاور
پردل	شجاع	نستوه	حسکی ناپذیر
بنده	کافی بس	ستوار	مخفف استوار، پیدار
هرآینه	بی یقین	بلن	آگاه باش
فرہنگ	دانش تربیت	پویدن	رفتن (نه باشتاب نه باسرعت)
ظفرمند	سیروزه، فتح		

لغات درس چهارم

معنی	لغت	معنی	لغت
آرزو، امید	آمان	آبرو، قدر و ارزش	اعتبار
ریشه، ج. اصل	اصول	آنچه از روی منطق باشد	منطقی
سرازمی	نشیب	بالا، بلند	فراز
استادی	مهارت	اثرگذار، اثرکننده	مؤثر
		شادابی، تازگی	طراوت

لغات درس ششم

معنی	لغت	معنی	لغت
متواضع، افتاده	فروتن	اصل هر چیز	درون یاب
فروتنی، متواضع	حاکماری	اساس	یاب
آگاه باش، پرنیز	زهد	قانع خوشنود	خرند

لغات درس هفتم

معنی	لغت	معنی	لغت
راهبانی	ارشاد کردن	به دنبال کسی رفتن	از پی کسی رفتن
گوش دهنده، شنونده	مستمع	هدایت کننده، راهنما	مرشد
ادعا	دعوی	رسم ها، روش ها	آداب
وسیله ای قدیم برای شمارش اعداد	چرتکه	کرفتنی گلو از غصه	بنض
فرستاده، نامه رسان	پیک	پیک، نامه بر	چاپاد
روش، رفتار	هنجار	ابزاری برای ستاره سازی قدیم	اسطراب
دیوار	حصار	قلمرو، محدوده	حریم
نگاه داشتن	پاس داشتن	احترام، عزت	حرمّت
ظاهر، پیدایی	جلوه	شبکه رایانه فراگیر	اینترنت
خوبی ها، برتری ها	فضایل	بلند، برتر	متعالی
حاکم، فرمانده	امیر	زیبایی، نیکویی	جمال
		بافنده، نساج	جولابه

لغات درس هشتم

معنی	لغت	معنی	لغت
مروارید، اصل	کومر	نوعی جامه پشمی که فقیران می پوشند	دلّ
سوراخ کردن	سقتن	کریبان، یقه	حیب
کم عقل	خرف	نیک بنحی، اقبال	دولت
خاشاک	خس	بالش	بالین
بهان	فلان	یک قسمت روز که در آن چیزی می خورند	چاشت
		ستایش، شکر	منا